



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۱/۲۳

دوکتور کریم پاکزاد

افغانستان: کشوی بدون اصول و عقیده

چه باید کرد؟

بار ها گفتیم که در زمان "جهاد" بر ضد شوروی، تعدد احزاب روی معیار های قومی و مذهبی قرار داشت نه روی عقاید سیاسی، برنامه های اقتصادی و اجتماعی. وانگهی احزاب جهادی اصلاً برنامه و اساسنامه نداشتند، تعداد اعضای حزب معلوم نبود، رهبران انتخابی نبودند، موسس یک حزب برای ابد رهبر و پیشوای آن میبود، کنگره و جلسات دفتر سیاسی وجود نداشت (حزب جمعیت اسلامی گرچه میخواست ولی حتی در همین زمان هم قادر نشد کنگره حزبی را دایر کند). وفاداری افراد به پرگرام، برنامه و اهداف سیاسی و پروژه های اجتماعی، اقتصادی نبود بلکه به شخص بود، شخصی که خودش قربانی کیش شخصیت پرستی هواداران خود میشد. کی میتوانست در درون حزب از کوتاه نظری سیاسی احمد شاه مسعود بعد از سقوط رژیم نجیب الله انتقاد کند و یا از کوتاه نظری عبد العلی مزاری در تاکتیک ها و استراتژی نظامی؟

آنهایی که امید داشتند که سرانجام از درون این جنبش های جهادی و باحضور فعال نسل نو یک حرکت سیاسی مدرن متکی به اهداف و برنامه های سیاسی برای تغییر جامعه بیرون آید، همانگونه که جنبش اصلاح طلبی با رهبرانی چون خاتمی، موسوی، کروبی و ده ها فعال سیاسی اصلاح طلب از درون جمهوری اسلامی سر بیرون کردند و علیرغم اختناق و زندان تسلیم نمیشوند، سخت مایوس و نادم هستند. (من یکی از این افراد هستم).

اوضاع کنونی که تمام احزاب مطرح جهادی مانند جمعیت، وحدت، جنبش با بی اتفاقی مشهود در هر یک از تیم های مطرح حضور دارند، نشانه همین وضعیت یعنی نبود اصول، برنامه، اهداف و تشکیلات حزبی است. چه امر و هدفی باعث میشود که از حزب جمعیت، صالح در یک تیم، قانونی در تیم دیگر و ربانی در تیم سوم حضور داشته باشند. یا از حزب وحدت دانش در یک تیم و خلیلی در تیم دیگر و محقق در تیم سومی؟ کی باور دارد که این پیوستن به این یا آن تیم همراهی و حمایت از برنامه های کلان این کاندید ها برای منافع ملت و مملکت میباشد؟ کی باور دارد که این رهبران و شخصیت های جهادی با چنین طرز العمل میتواند الگوی مبارزه و فعالیت سیاسی سالم برای نسل جوان باشد؟

همین یأس و نا امیدی از طبقه سیاسی کشور موجب شد که من از جنبشهای مدنی همچون "جنبش روشنایی" و "جنبش رستاخیز" که در آنها جنبشهای مدنی - سیاسی را میدیدم و پایگاه آنها نسل نو و پسا جهاد تشکیل میداد، حمایت کنم. ولی اینها هم "رهبران مدرن" در برابر "رهبران سنتی" همان راه و روش بزرگان و ماقبلان خود را پیش گرفتند. از جنبش رستاخیز که دیگر حرفی در میان نیست. جنبش روشنایی هم با تضاد های درونی روی قدرت طلبی به چند شاخه تقسیم شد، وکلای آنها از پارلمان حذف شدند، از فعالیت های اعتراضی شان هم که اکثراً بدون برنامه و هدف مشخص و دست یافتنی بود خبری نیست.

چرا ما به این روز و حالت افتاده ایم؟ علل این بیچارگی را در عقب ماندگی دردناک فرهنگی و بخصوص فرهنگ سیاسی باید جستجو کرد. "رهبران سنتی" یا آخوند و ملا بودند و نگاه آنها به جهاد و مقاومت علیه شوروی همان "حکومت اسلامی" بود. برای یک عده این الگو "جمهوری اسلامی تیپ ایرانی و برای دیگری "امارت اسلامی" تیپ عربستان سعودی. هیچیک از اینها به آزادی عقیده و افکار پایبند نبودند، دگر اندیشان کافر و بی دین شمرده میشدند. این طرز نگاه هنگامی که جنگهای داخلی ماهیت قومی را بخود گرفت تا حدی تقلیل یافت و هر طرف جنگ حتی "کمونیست" های خود را در صفوف خود استقبال نمودند. عده دیگر حتی آخوند و ملا هم نبودند، کافی بود که شجاعانه بجنگند و ریشهای انبوع بگذارند تا به مقام رهبری و قهرمانی برسند.

برای پایه گذاری سازمان یا سازمانهای سیاسی که با حرکت از تحلیل اوضاع کنونی مملکت، متعهدترین جوانان تحصیلکرده و روشنفکر یا روشن بین را روی برنامه و هدف های کوتاه مدت و دراز مدت بسیج یا متشکل کند،

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

باید به حال و اوضاعی که این مملکت نیم قرن قبل در آن قرار داشت برگردیم، دورانی که نسل جوان در جستجوی راه های حل بودند. این رسالت را باید جوانان آگاه و متعهد درک کنند و بجای جذب و حل شدن در دستگاه این و آن که فقط و فقط و هرادعایی هم که داشته باشیم، در خدمت منافع فردی و شخصی است، به منافع عمومی (فراتر از منافع فردی و قومی) بیاندیشیم. نسل من فقط حداکثر میتواند تجربیات خود را در خدمت نسل جوان و برای هدف نجات مردم و مملکت از این تراژدی بی پایان قرار دهد و بس.

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالپرلو مخکي په خیر و لولئ